



قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط

اصول مرتبط با قوه قضائیه

اصل یکصد و دهم:

وظایف و اختیارات رهبر:

8. نصب و عزل و قبول استعفاي :

ب - عالیترین مقام قوه قضائیه.

فصل یازدهم: قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و ششم:

قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

1. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می کند.
2. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.
3. نظارت بر حسن اجرای قوانین .
4. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام .
5. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم:

به منظور انجام مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی مقام رهبری يك نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالیترین مقام قوه قضائیه است.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم:

وظایف رئیس رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

1. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت های اصل یکصد و پنجاه و ششم.
2. تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی.
3. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و نهم:

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصت و یکم:

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می کند انتخاب می گردد. رئیس قوه قضائیه می تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالیترین مقام اجرایی پیش بینی می شود.

اصل یکصد و شصت و یکم:

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند تشکیل می گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم:

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند.

اصل یکصد و شصت و سوم:

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می شود.

اصل یکصد و شصت و چهارم:

قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد.

اصل یکصد و شصت و پنجم:

محاكمات، علني انجام مي شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علني بودن آن منافي عفت عمومي يا نظم عمومي باشد يا در دعاوي خصوصي طرفين دعوا تقاضا کنند که محاکمه علني نباشد.

اصل یکصد و شصت و هشتم:

احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولي باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و شصت و نهم:

قاضي موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامي يا فتاوي معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت يا نقص يا اجمال يا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و شصت و دهم:

رسیدگی به جرایم سياسي و مطبوعاتي علني است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستري صورت مي گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سياسي را قانون بر اساس موازین اسلامي معین مي کند.

اصل یکصد و شصت و یازدهم:

هیچ فعلی يا ترك فعلی به استناد قانوني که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

اصل یکصد و هفتادم:

قضات دادگاه ها مکلفند از اجرائي تصویب نامه ها و آیین نامه هاي دولتي که مخالف با قوانین و مقررات اسلامي يا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس مي تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

اصل یکصد و هفتاد و یکم:

هر گاه در اثر تفسیر يا اشتباه قاضي در موضوع يا در حکم يا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادي يا معنوي متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامي ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران مي شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت مي گردد.

اصل یکصد و هفتاد و دوم:

برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامي يا انتظامي اعضاء ارتش، ژاندارمري، شهرباني و سپاه پاسداران انقلاب اسلامي، محاکم نظامي مطابق قانون تشکیل مي گردد، ولي به جرایم عمومي آنان يا جرایمی که در مقام ضابط

دادگستري مرتكب شونډ در محاكم عمومي رسيدگي مي شود. دادستاني و دادگاه هاي نظامي، بخشي از قوه قضائيه كشور و مشمول اصول مربوط به اين قوه هستند.

اصل يكصد و هفتاد و سوم :

به منظور رسيدگي به شكايات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورين يا واحدها يا آيين نامه هاي دولتي و احقاق حقوق آنها، ديواني به نام "ديوان عدالت اداري" زير نظر رئيس قوه قضائيه تاسيس مي گردد. حدود اختيارات و نحوه عمل اين ديوان را قانون تعيين مي کند.

اصل يكصد و هفتاد و چهارم :

بر اساس حق نظارت قوه قضائيه نسبت به حسن جريان امور و اجراي صحيح قوانين در دستگاه هاي اداري سازماني به نام "سازمان بازرسي كل كشور" زير نظر رئيس قوه قضائيه تشكيل مي گردد. حدود اختيارات و وظائف اين سازمان را قانون تعيين مي کند.

منبع : سايت شوراى نگهبان قانون اساسى



برگشت به سايت حقوق تاسيسى



مراجعه به بخش فارسى سايت جمهورى اسلامى ايران، توسعه اقتصادى و پايدار آن



مراجعه به بخش فهرست مطالب فارسى سايت

نگرشى نو به توسعه حقوقى، اقتصادى، فرهنگى، اجتماعى، ادارى و اجرائى پايدار

